

جام جم



«جام جم» در میزگرد با کارشناسان، موقعیت غزه را به عنوان یک گلوگاه تاریخی بررسی کرد

طوفان الاقصی؛ تجلی نبرد تمدنی غرب و شرق

۸



ستارگان سینما و جشنواره‌های سینمایی و هنری در کنار مردم غزه

جهان هنرعلیه نسل‌کشی

۱۰



گفت‌وگو با غلامرضا صنعتگر خواننده محبوب جبهه فرهنگی مقاومت

«عموزنجیرباف» هدیه به کودکان غزه

۱۱

ویژه

احمد نوروزی، معاون برون مرزی رسانه ملی در گفت‌وگوی اختصاصی با «جام جم» مطرح کرد

فلسطین، موضوع راهبردی رسانه ملی است



۶

زاویه دید

روایت تاریخ از کارنامه روحانیت - ۱۵

علمای پرچمدار مبارزه با استعمار

قدوم خود مرزین کرده و این شیفتگان غرب را از افاضات خویش بهره‌مند سازد. در این میان و در شرایطی که سپاهیان ایران و ارتش عباس میرزا در شرایطی سخت و رنج‌آور به لحاظ نیرو و آذوقه و بودجه قرار داشتند، آیت‌ا... شیخ محمد جعفر نجفی معروف به «کاشف الغطاء» برای دفاع از مرزهای ایران، فتوای جهاد صادر کرد و چنان‌که از کتاب مشهورش یعنی «کشف الغطاء» معلوم است، او براساس اعتقاد به ولایت فقیه چنین فتوایی را صادر کرده است. آیت‌ا... کاشف الغطاء در فتوای خود، جهاد را ابتدا از اختیارات پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصوم (ع) می‌دانست و پس از آنکه هدی (ع)، عالمان دین را نایب معصومین دانسته و می‌نویسد: «...و کسی که قائم مقام ایشان است از علما» و چون خود را به لحاظ شرعی مسئول قیام به دفاع در برابر متجاوز می‌دانست اما دست خود را در قدرت کوتاه می‌دید با حق شرعی ولایتی، این مسئولیت را برعهده دولتمردان گذاشته و اضافه می‌کند: «پس از حصول موانع ظهور و عدم امکان قیام و قیام علماء به این امور، اذن دادیم به پادشاه این زمان و یگانه دوران...» و توجیه این اجازه را در این می‌بیند که: «...شاه قاجار معترف است به اطاعت و سالک است در دفع دشمنان به طریق شریعت که این ماموریت را برعهده ولیعهد و قائم مقام خود یعنی عباس میرزا گذارده است.» این دورا از اعوان و انصار خود ترسیم می‌کند و نه افرادی مستقل. بنابراین در ادامه فتوایش ضمن دعا بر ایشان از خداوند اجازه شفاعت خودش را می‌طلبد.

آیت‌ا... العظمی کاشف الغطاء باز برای تأکید بر این که جهاد نه به اعتبار شاهان قاجار که به اعتبار ولایت فقهاست، اضافه می‌کند: «هرکه در سپاه ایشان قاتل شود، مثل آن است که در لشکر مایه قتل رسیده و آن که اطاعت ایشان کند، چنان است که اطاعت ماکرده و هرکه ایشان را یاری نکند، ندیم ندامت شود و محروم از شفاعت ما در روز قیامت باشد.» اما بخشی از این مجاهدت و مبارزه در سرزمین‌های مجاور ایران مثل عراق علیه استعمار انگلیس برای به دست آوردن استقلال و آزادی خود به وقوع پیوست. در این مبارزه مردم عراق، بسیاری از روحانیون مبارز ایران چه آنها که در حوزه‌های نجف یا کربلا و یا سامرا بودند چه آنها که در ایران سکونت داشتند، فعالانه و شجاعانه جنگیدند. برخی آنها شهید شدند و برخی نیز اسیر که به نقاط بسیار بد آب و هوا تبعید شدند.

حضرت امام خمینی (رحمه... علیه) در این باره در سخنرانی

اخلاقی و ریشه‌های سنتی مذهب و معنی و شخصیت و تاریخ و هرچه موجودیت ملی ما را می‌سازد نیز غارت می‌کنند و به لجن می‌کشند. اولین بار اینها بودند که در برابر امپریالیسم می‌ایستادند و برخلاف رهبران ملی نهضت‌های ضد استعماری، مبارزه ضد استعماری‌شان را تنها در بعد اقتصادی و سیاسی محدود نکردند، بلکه یک زیربنا و پشتیبان فکری و ایدئولوژی و معنوی هم داشتند و استعمار را در همه چهره‌هایش شناختند، به خصوص در پنهانی‌ترین و مهیب‌ترین جناح هجوم و نفوذش، یعنی جناح فکری، معنوی، اخلاقی و علمی یعنی فرهنگی‌اش، با او درگیر شدند. اینان با یک سلاح فرهنگ و فکر در برابر غرب ایستادند.»

نخستین حرکت ضد استعماری روحانیت

اما نخستین حرکت ضد استعماری روحانیت و علمای اسلام در تاریخ معاصر هنگام جنگ‌های ایران و روس در اوایل دوران قاجار و زمانی اتفاق افتاد که تزار روسیه در سال ۱۲۱۸ هجری قمری براساس وصیت‌نامه منسوب به پطر کیبر، گرجستان را که متعلق به ایران بود، به خاک روسیه ملحق و به مرزهای آن تجاوز کرد. جنگ ۱۰ ساله‌ای شروع شد که در انتها با شکست ایران و نقش موزیانه فراماسونری‌هایی مانند سرگور اولی، به قرارداد تنگین گلستان انجامید و ولایات قره‌باغ، گنجه، شکی، شیروان، دربند، باکو و قسمتی از طالش و تمام داغستان و گرجستان به تصرف روسیه درآمد. در طول سال‌های جنگ، دولت‌های فرانسه و انگلیس خصوصا به وسیله تشکیلات فراماسونری و دول‌زیرگ اسکانی و کراند اوربان به گونه‌ای پنهان درصدد تضعیف دولت مرکزی و جدا ساختن بخش‌هایی از خاک ایران بودند. دل‌آوری‌های عباس میرزا و سپاهیان‌ش در

آن سال‌ها مثال‌زدنی است اما در این میان، شبه‌روشنفکران و به اصطلاح ملی‌گرایانی مانند آخوندزاده و طالبوف نیز در خدمت ارتش تزار بودند و سایر طیف شبه‌روشنفکری هم یا در خانه‌ها خزیده بودند یا شیفته پیشرفت‌های فرهنگ و به‌خصوص بریتانیا، دفاع از خاک وطن جز دفاع از سنت‌های ارتجاعی و به اصطلاح پوسیده برای‌شان معنی دیگری نداشت. از همین رو حراست و دفاع از خاک وطن را طایف معمول به‌عهده متعصبان و سنتی‌ها گذاشتند و خود به دنبال یادگیری تجدد وارداتی و تقدیس پیشرفت‌های غرب و ناراحت از این‌که چرا آن متعصبان و سنتی‌ها نمی‌گذارند آداب و رسوم غرب یا ورود آنها به خاک ایران و اشغال این سرزمین، کوچه و پس‌کوچه‌های شهر و روستای ما را نیز به

گفتیم سِرلوحه و اساس و محور حرکت ضد استعماری روحانیون و علمای اسلام، یک قاعده فقهی به نام «قاعده نفی سبیل» بوده و هست که این قاعده فقهی هم بر مبنای آیای از آیات شریفه قرآن مجید وضع شده‌است. آیه شریفه «لن یجعل... للکافرین علی المومنین سبیلا» (سوره مبارکه نساء، آیه ۱۴۱)

که هرگونه سلطه کافر بر مسلمان را نفی می‌کند، چنین قاعده‌ای موجب شد که در هیچ زمانی، روحانیت اسلام با استعمارگران سازش نداشته باشد، آنچه‌که همواره از مسیر حرکت شبه‌روشنفکران و به اصطلاح ملی‌گرایان مستفاد می‌شود، آنچنان‌که این سخن مرحوم دکتر علی شریعتی همواره نقل شده که پای هیچ قرارداد استعماری را روحانیت امضا نکرده است. شریعتی در درس‌های اسلام‌شناسی حسینیة ارشاد می‌گوید: «این یک مسأله ذوقی نیست که بگوییم من آخوند دوست دارم، من آخوند دوست ندارم، این یک مسأله عینی و تاریخی است، باید سند نشان دهید و مدرک، تا آنجا که من می‌دانم، زیر تمام قراردادهای استعماری را کسانی که امضا گذاشته‌اند، همگی از میان ما تحصیل‌کرده‌های دکتر و مهندس و لیسانسیه بوده‌اند و امضایش بود، من هم مثل شما اعلام می‌کنم که: «آخوند دوست ندارم! اما از آن طرف، پیشاپیش هر نهضت ضد استعماری و هر جنبش انقلابی و مترقی، چهره یک یا چند آخوند را در این یک قرن می‌بینم. از سید جمال بگیر و میرزا حسن شیرازی و بشمار تا مشروطه و...»

مرحوم شریعتی در کتاب «ما و اقبال» با لحنی کنایه‌آمیز می‌نویسد: «...اگر یکی از میان این علما می‌خواست خود را بفروشد و پای قراردادی استعماری را امضا کند، اول عمامه، قبا و عبا را می‌کنده و ریش می‌تراشیده و فکل می‌بسته و یک سفری به فرهنگ می‌رفته است و در رودخانه تا بهر غسل تعمیدش می‌داده‌اند و بعد برمی‌گشته و می‌شده آلت فعل، بالاخره به نام یک شخصیت متجدد و مترقی اروپایی ماب غیر مذهبی امضا می‌کرده است.» شریعتی ادامه می‌دهد: «این رهبران و متفکران اسلامی بودند که بیش از همه خودشان و همچنین با زبان معنوی و مذهبی خودشان که با توده مردم و نسل خودشان (برخلاف روشنفکران فرنگی ماب امروز) تفاهم و تبادل فکری داشتند، اعلام خطر کردند که اروپاییان نیامدند که فقط غارت مس، نفت، پنبه و کتان کنند و منابع زیرزمینی و معادن گرانها را به یم‌ها ببرند، بلکه در عین حال، همه منابع و ثروت انسانی و سرمایه فرهنگی و فضایل



سید مستفایی
استادساز و
کارشناس سینما

نگاه

صهیونیسم از قدرت هنر می‌ترسد



هنرمندان پایه‌های فرهنگ یک جامعه‌اند. چشمان بینایی که در سخت‌ترین و بحرانی‌ترین روزها با بهترین شیوه، خط سیر سعادت را به مردم نشان می‌دهند و رهبری فکری آنها را در دریای موج مشکلات و مضللات به عهده می‌گیرند، به همین دلیل هم احترام به هنرمند در همه جغرافیای زیستی بشری یک قانون نانوشته است. قانونی برآمده از دل تاریخ که در همواره زندگی به دولتمردان گوشزد می‌کند کلید فهم زندگی، هنر است و برای تحول آفرینی و توسعه باید حساب ویژه‌ای روی هنرمندان باز کنند. هنرمندان توانایی دارند با کمترین و کم‌هزینه‌ترین امکانات در قالب شعر، گونا، داستانک، قطعه آهنگ بی‌کلام، فیلم و... عمیق‌ترین تأثیر را بر مردم بگذارند. آنها در همه لحظات زندگی از تلخ‌ترین تا شیرین‌ترین ساعات، کنار مردم هستند، با آنها زندگی می‌کنند و به آنها آموزش می‌دهند و مردم هم به واسطه اعتماد و احترامی که به آنها دارند، گام‌به‌گام با آنها راه می‌روند و الگو می‌گیرند. شهادت بیش از ۱۰ هنرمند فلسطینی از آغاز دور جدید حملات ارتش رژیم صهیونیستی به مردم غزه دلیلی بر همین ادعاست. آنها که در کنار مردم مانند پیام‌ها و آثارشان روحیه ایثار، شجاعت و دل‌آوری را در میان آنها گستراندند تا فراموش نکنند که برای از زیر سلطه ظلم درآمدن و بازگشت به گذشته سرشار از آرامش، بوسلف ماهر دواس نویسنده، درود میماریس کمیته روزنامه نگاران زن در لحظه‌ای کوتاه نایبند، علی نسمان، کم‌دین و بازیگر معروف فلسطینی از هنرمندان مطرحی بود که به خاطر ویدئوهایی که در آن صهیونیست‌ها را تمسخر می‌کرد مشهور بود. رشدی سراج فیلمساز و از بنیانگذاران عین مدیا، ساند الحلبی خبرنگار شبکه ماهواره‌ای الاقصی، محمد عماد لیاد خبرنگار پایگاه خبری الرسال، محمد علی از روزنامه نگاران و برنامه‌ریزان رادیو الشباب (رادیو جوانان فلسطین، سمیع النادی مدیر تلویزیون الاقصی، عبدالهادی حبیب خبرنگار خبرگزاری المثار، یوسف ماهر دواس نویسنده، درود میماریس کمیته روزنامه نگاران زن در مجمع رسانه‌های فلسطین، عصام عبدا... فیلمبردار خبرگزاری رویترز در بیروت، سعید الطویل سردبیر وبسایت الخمسه نیوز و شهیده هیه کمال ابوندی، رمان‌نویس و شاعر از دیگر هنرمندانی هستند که در کنار مردم غزه ماندند و در حملات رژیم غاصب به شهادت رسیدند. آنها نشان دادند هنرمند همیشه تاریخ در کنار مردم است، در خط مقدم بحران‌ها می‌ماند و حتی برای مردم جان می‌دهد.